

بسم الله الرحمن الرحيم



امام صادق(ع) فرمود: ((نوروز، روزی است که خداوند از بندگان پیما ن هایی گرفت که تنها خدای یکتا را پرستند، و برای او همتا قرار ندهند، و ایمان به رسولان و حجت های خدا و امامان(ع) بیاورند، و روزی است که کشتی نوح(ع) بر کوه جودی نشست...)) و نیز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: ((نوروز همان روزی است که ابراهیم خلیل(ع) بت های قومش را - که در آن روز برای شرکت در مراسم جشن از شهر خارج شده بودند - شکست.))

نوروز، پیش از اسلام

پیش از اسلام، نخستین روز بهار را عید و جشن ملی به شمار می آوردند و از آن به ((عید باستانی)) یاد می کردند. به عقیده بعضی نخستین کسی که از ((نوروز)) تجلیل کرد، و آن روز را عید ملی شمرد، جمشید بود.(1) جمشید بر سراسر جهان تسلط یافت، و سرزمین ایران را آباد کرد، و اسباب کارها و امور، در نوروز برای او تکمیل و موزون گردید، از این رو این روز، آغاز سال عجم گردید.(2) جمشید پسر تهمورث، از شاهان افسانه ای پیش از تاریخ ایران (قبل از مادها) است. روزی که او بر تخت سلطنت نشست، اولین روز بهار بود؛ آن را ((نوروز)) خواند و جشن گرفت. جمشید مدتی طولانی سلطنت کرد، تا آن که

مغرور شد و خود را خدای جهان نامید. سرانجام ضحاک با همکاری و همیاری مردم، او را از سلطنت خلع کرد، و روزی در کنار دریای چین او را دید، و با اره، دو نیمش کرد(3) و به زندگی سلطه جویانه اش پایان داد. بنا به روایتی، امام صادق(ع) فرمود: ((نوروز، روزی است که خداوند از بندگان پیمان هایی گرفت که تنها خدای یکتا را پرستند، و برای او همتا قرار ندهند، و ایمان به رسولان و حجت های خدا و امامان(ع) بیاورند، و روزی است که کشتی نوح(ع) بر کوه جودی نشست...)) (4) و نیز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: ((نوروز همان روزی است که ابراهیم خلیل(ع) بت های قومش را - که در آن روز برای شرکت در مراسم جشن از شهر خارج شده بودند - شکست.)) (5) مجوسیان نیز از قدیم، به نوروز اهمیت می دادند و در آن روز به همدیگر تبریک می گفتند و برای همدیگر هدیه می فرستادند. هم چنین گفته اند: در عصر خلافت امیرمومنان علی(ع)، مجوسیان چند ظرف نقره که در آن ((شکر)) ریخته بودند، در نوروز به آن حضرت هدیه کردند، آن حضرت هدیه آنها را پذیرفت و ((شکر)) ها را بین یاران خود تقسیم کرد، و آن ظروف را به عنوان جزیه (مالیات سرانه آنها) قبول کرد. (6) بنابر همان روایت امام صادق(ع)، حادثه شگفت زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل قبل از اسلام - به فرمان خدا که در آیه 243 بقره به آن اشاره شده است - در نوروز رخ داده است: (7) که در یکی از شهرهای شام، بر اثر رواج بیماری طاعون، بسیاری مردند. این بیماری در حقیقت مجازاتی از طرف خدا برای آنها بود، زیرا رهبر الهی شان آنها را به جهاد با دشمن فرا خوانده بود، ولی آنها سرپیچی کرده بودند. در این میان هزاران نفر (طبق پاره ای روایات، ده هزار یا هفتاد هزار یا هشتاد هزار نفر) به بهانه گریز از طاعون، از شهر خارج شدند، و پس از فرار، در خود احساس قدرت و استقلال نمودند و با نادیده گرفتن اراده الهی، و چشم دوختن به عوامل طبیعی، دچار غرور شدند، خداوند آنها را نیز در همان بیابان با همان بیماری نابود ساخت. سالیانی گذشت، و حضرت حزقیل(ع) - یکی از پیامبران بنی اسرائیل - از آن جا عبور می کرد، و از خدا خواست که آنها را زنده کند، خداوند دعای او را اجابت کرد. آن روزی که آنها زنده شدند، نوروز بود. (8) از مجموع این مطالب به دست می آید که نوروز، قبل از اسلام، روز محترم و خاصی بود، و با پیدایی رخدادهایی در آن روز که غالباً مثبت بوده اند بر اهمیت و شهرت آن افزوده شد.

نیکو داشت نوروز پس از اسلام

پس از اسلام نیز طبق پاره ای روایات، از این روز تجلیل شده است. هم چنین بروز رخدادهایی مهم موجب افزایش عظمت و احترام آن شده است. در حدیث ((معلی بن خنیس)) (9) از امام صادق(ع) - که علامه مجلسی می گوید آن را در کتب معتبر دیده است - به چند رخداد بزرگ در نوروز، بعد از اسلام اشاره شده است، از جمله فرمود:

((و هو اليوم الذی نزل فیہ جبرئیل علی النبی(ص)، و هو اليوم الذی حمل فیہ رسول الله(ص) امیرالمومنین(ع) علی منکبه حتی رمی اصنام قریش من فوق البیت الحرام فهشمها، و كذلك ابراهیم، و هو اليوم الذی امر النبی اصحابه ان یبایعوا علیا بامرہ المومنین، و هو اليوم الذی وجه النبی علیا(ع) الی وادی الجن یأخذ علیهم البیعه له، و هو اليوم الذی بویع لامیرالمومنین(ع) فیہ البیعه الثانیه، و هو اليوم الذی ظفر فیہ باهل النهروان، و قتل

ذوالثديه، و هو اليوم الذى يظهر فيه قائمنا و ولاه الامر و هو اليوم الذى يظفر فيه قائمنا بالدجال، فيصلبه على كناسه الكوفه، و ما من يوم نيروز، الا و نحن نتوقع فيه الفرج، لانه من اياما و ايام شيعتنا، حفظته العجم، و ضيعتموه إنتم؛

نوروز روزی است که:

1- جبرئیل بر پیامبر نازل شد؛

2- پیامبر(ص)، علی(ع) را بر دوش خود گرفت، تا علی(ع) بت های قریش را از بالای خانه کعبه فرو ریزد. هم چنین ابراهیم(ع) در چنین روزی بت ها را شکست؛

3- پیامبر(ص) به اصحاب خود امر کرد (در روز غدیر خم) با علی(ع) به عنوان امیرمومنان، بیعت کنند؛

4- پیامبر(ص) علی(ع) را به ((وادی جنیان)) فرستاد، تا از آنها در پذیرش اسلام و پیامبر(ص) بیعت بگیرد؛

5 - در چنین روزی (بعد از مرگ عثمان) برای خلافت حضرت علی(ع) بیعتی دوباره شد؛

6- در چنین روزی علی(ع) (در عصر خلافتش) در جنگ نهروان بر خوارج پیروز شد، و مخدج ذوالثديه (سردمدار خوارج) را کشت؛

7- در چنین روزی قائم ما (عج) و صاحب امر از پرده غیب، آشکار می شود؛

8- در چنین روزی قائم ما (عج) بر دجال (طاغوت خودکامه عصر) پیروز می گردد، و او را در میدان کناسه کوفه به دار می کشد؛

9- هیچ نوروزی بر ما نمی گذرد، مگر این که ما در آن روز امید فرج قائم(عج) را داریم، زیرا آن روز، از روزهای ما و از روزهای شیعیان ما است، عجم ها آن را پاس داشتند، ولی شما (عرب ها) آن را تباه ساختید)). (10) چنان که گفته آمد پدیدار شدن نه رخداد بسیار بزرگ، پس از ظهور اسلام موجب عظمت و پاسداشت نوروز شده است.

عالم بزرگ و مجتهد سترگ، بنیانگذار حوزه علمیه نجف اشرف، شیخ طوسی (متوفای سال 460 هـ.ق) در کتاب ((المصباح المتهجد)) از معلى بن خنيس روايت می کند که امام صادق(ع) فرمود: ((هرگاه نوروز فرا رسيد، در آن روز غسل کن، و پاکیزه ترین لباس ها را بپوش، و با بهترین عطرها خود را خوشبو نما، و در این روز روزه بگیر، و پس از انجام نافله نمازها، و پس از نماز ظهر و عصر، دو نماز دو رکعتی (به نیت نماز نوروز) بخوان؛ در نماز اول، در رکعت اول پس از حمد، ده بار سوره قدر، و در رکعت دوم پس از حمد، ده بار سوره کافرون را بخوان، و در نماز دوم، در رکعت اول، پس از حمد، ده بار سوره توحید، و در رکعت دوم پس از حمد، ده بار سوره ناس و سوره فلق را بخوان، و پس از نماز، سجده شکر به جای آر، و در این سجده، دعای زیر را بخوان، که در این صورت خداوند گناهان پنجاه سال تو (یا پنج سال تو) را (اگر با شرایط باشد) می بخشد)). آن دعا این است: ((اللهم صل علی محمد و آل محمد، الاوصیاء المرضیین، و علی ارواحهم و اجسادهم [...دعا در مفاتیح الجنان، ذکر شده است].

در نوروز این فراز از دعا را بسیار بخوان:

((یا ذاالجلال والاکرام.))

نوروز، رستاخیز طبیعت

نوروز، نخستین روز بهار است، نخستین روز سبزترین فصل سال، سرآغاز زنده شدن زمین و شکوفایی ها و وزیدن نسیم دل انگیز بهاری، و چهچهه مرغان؛ همه چیز در بهار، نشان گر نشاط و طراوت است و حتی باد شفا بخش بهاری نوید زندگی تازه می دهد، و به گفته

مولوی در مثنوی:

گفت: پیغمبر به اصحاب کبار

تن میپوشانید از باد بهار

آنچه با برگ درختان می کند

با تن و جان شما آن می کند

و به گفته سعدی:

لکه تواند بدهد میوه رنگین از چوب

یا که باشد که برآرد گل صد برگ از خار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

ارغوان ریخته بر درگه خضرای چمن

چشمه هایی که در او خیره بماند ابصار

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند

نه همه مستمعان فهم کنند این اسرار

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

خبرت هست که مرغان سحر می گویند

کآخر ای خفته سر از بالش غفلت بردار

بهار، درس خداشناسی و معادشناسی و تحول و رشد و تکامل است، اگر انسان ها از این طبیعت زیبا، درس بیاموزند، در حقیقت اعتقاد به رستاخیز را آموخته اند، در این صورت باید سرآغاز چنان بعثتی را روز برتر نامید و آن را جشن گرفت.

اگر مراسم نوروز، بر این اساس پی ریزی گردد، و انسانها خود را همگام و همگون با محتوای دعای آغاز سال؛ که بیان گر تحول و نغمه توحیدی است، سازند که:

((یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر اللیل و النهار، یا محول الحول والاحوال، حول حالنا الی احسن الحال؛ ای خداوندی که گرداننده قلب ها و چشم ها هستی، و تدبیر کننده نظم شب و روز می باشی، ای دگرگون کننده حال و احوال، حال ما را به نیکوترین حال تبدیل ساز.)) قطعا نوروز برای آنها پر فایده خواهد بود.

آنان که طعم توحید را چشیده اند، در ایام دل انگیز و پرنشاط آغاز بهار به پیروی از امامان(ع) آیاتی از قرآن همچون آیه زیر را تلاوت کرده و مفاهیم آن را در اعماق جانیشان دریافت می کنند که:

((ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لآيات لاولى الالباب;(15) همانا در خلقت آسمان ها و زمين و آمد و شد شب و روز، قطعا نشانه هايي براي صاحبان اندیشه است.))

هرگاه در مراسم نوروز، انسان ها به دنبال چنين مفاهيم سازنده و لذت بخشي برونند، قطعا، چنين روزي مبارك است، ولي اگر از اين ايام سوء استفاده شود و به جاي مراسم سازنده، به خرافات روي آورند، مراسمي؛ مانند چهارشنبه سوري، سيزده بدر، و يا فال گوش ايستادن... روشن است، كه باطل گرایی، و پناه بردن به امور پوچ و بی اساس، انسان را بی محتوا خواهد كرد، و آلوده نمودن نوروز به امور واهی، از خردورزی، دور است و باید خط بطلان بر چنين مراسمي كشید.

اسلام وقتی كه ظهور كرد، در دوران جاهلیت مراسمي وجود داشت، اكثر آنها برخلاف عقل، منطق و وجدان بود، خط بطلان بر همه آنها كشید، ولي مراسمي نیز وجود داشت، مانند تحریم جنگ در چهار ماه (رجب، ذقعه، ذحجه و محرم) این رسم را كه دربرگیرنده امنیت و آرامش است، امضا نمود، رسم دخترکشی را مردود دانست، ولي سنت ديه قتل انسان را كه صد شتر بود، امضا كرد.

نوروز، مبارك، ستوده و مورد توجه امامان(ع) بود، و اختصاصی به ایرانیان ندارد، بلکه برای همه مسلمانان روز جشن و روز شگفت انگیزی است، مشروط بر این كه با مراسم صحیح و سازنده همراه باشد، و از هرگونه باطل اندیشی و گناه، پرهیز گردد.

در این صورت حتی می توان آن را ((عید)) نامید، بدان دلیل كه امیرمومنان علی(ع) فرمود: ((كل يوم لایعصى الله فیه فهو عید;(16) هر روزی كه در آن روز گناه نشود، آن روز، روز عید است.))

پی نوشتها:

1 (آقا محمد مقدس اصفهانی، الاوائل، ص.584

2 (علامه مجلسی، بحار، ج59، ص.141

3 (جمعی از دانشمندان و نویسندگان، دائره المعارف یا فرهنگ و هنر، ص.1260

4 (بحار، ج59، ص92 و ج11، ص.342

5 (بحار، ج12، ص43. (ماجرای شکستن بت ها در عصر نمرود، به دست حضرت ابراهیم، درقرآن سوره انبیاء، آیه58آمده است)

6 (علامه مجلسی، بحار، ج41، ص.118

7 (همان، ج59، ص.92

8 (علامه طبرسی، تفسیر مجمع البیان، تفسیر قرطبی و آلوسی، تفسیر روح البیان، ذیل آیه 243 بقره.

9 (معلى بن خنيس از دوستان و شیفتگان امام صادق(ع) بود، مرحوم شیخ طوسی(ره) در شأن او می نویسد: ((وكان محمودا عنده و مضى على منهاجه; معلى، در محضر امام صادق(ع) شخص ستوده ای بود، و در حالی كه در صراط امام صادق(ع) بود، از دنیا رفت.)) و شیخ بهایی(ره) می گوید: ((الحق ان معلى بن خنيس، ممدوح جدا; حق این است كه معلى بن خنيس حقیقتا مورد ستایش است.)) علامه علیاری، بهجه الامال، ج7، ص48) از گفتنی ها این كه: داوود بن علی، فرماندار مدینه، به فرمان عبدالله سفاح (اولین خلیفه عباسی) معلى بن خنيس را دستگیر كرد و به او گفت: ((فهرست شیعیان را به من بده.)) معلى نام آنها را فاش نساخت، و با قاطعیت گفت: اگر شیعیان، زیر قدم هایم باشند، قدمم را برنمی دارم، داوود فرمان داد گردن او را زدند، و پیکر

- مطهرش را به دار آویختند، هنگامی که امام صادق(ع) از شهادت او آگاه شد، فرمود: ((قطعا برای داود نفرین می کنم.)) امام صادق(ع) مشغول نماز شد و هنوز سر از سجده بلند نکرده بود که صدای شیون بلند شد، و گفتند داود بن علی از دنیا رفت... (اقتباس از: محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 512 و 513).
- امام صادق(ع) به داود بن علی در مورد کشتن معلی اعتراض کرد و فرمود: ((قتلت رجلا من إهل الجنة؛ تو مردی از اهل بهشت را کشتی.)) (علامه علیاری، بهجه الامال، ج 7، ص 48)
- 10 (علامه مجلسی، بحار، ج 59، ص 92.
- 11 (شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ج 2، ص 591؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان، اعمال اول ماه و عید نوروز.
- 12 (رشید الدین ابن شهر آشوب طبرسی، مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 318 و 319.
- 13 (محمد حسن رحیمیان، در سایه آفتاب، ص 228 و 227.
- 14 (علی رضا برازش، المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار، ج 26، ص 19702.
- 15 (علامه مجلسی، بحار، ج 59، ص 100 و 101.
- 16 (آل عمران (3) آیه 190.
- 17 (سید رضی، نهج البلاغه، حکمت 428.